

17 مارچ 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش سی و ششم)

انکشاف معارف و نهضت زنان در محراق قیام:

همانطوریکه در دوره اول اصلاحات موضوع معارف و بخصوص مکاتب دختران و نیز تلاش برای تأمین حقوق زنان یکی از اهداف عمده شاه و ملکه بود و اما در اثر فشارهای وارده ناشی از شورش خوست و مباحثات جدی علمای محافظه کار مذهبی درلویه جرگه 1303 شاه به قبول خواست آنها تن داد. همینکه شاه در دوره دوم (1305) دوباره بر اوضاع مسلط شد، راه اولی را درپیش گرفت و مکتب مستورات را بازگشائی نمود و بار دیگر رفتن دختران خور دسال به مکتب شروع شد.

در عین زمان برای سهولت زنان در رعایت "ستر و حجاب اسلامی" ملکه به کمک مادر و خواهران خود و یک تعداد دیگر خانمهای دربار نخست به فکر تعدیل چادری دولاق برآمدند و کوشیدند چادری نسبتاً آزادتر را بین زنان مروج سازند و یک نوع چادری مکتبی را برای دختران نیمه جوان انکشاف دادند که شامل یک پیراهن و یا دامن دراز و یک چادر بزرگتر در سر بود. خواهران ملکه نمونه دیگر چادری را از تکه کم وزن به رنگ سیاه برای دختران جوان و زنان طراحی کردند که بنام "چادری قندهاری" نیز نامیده میشود. این ابتکارات تا مدتی دوام کرد و اما نتوانست عمومیت پیدا کند.



همراهی ملکه با چند خانم دیگر در معیت شاه به خارج یک گام بزرگ در راه تحولات بعدی بود. ملکه در هند از جمعیت مردان فاصله گرفت و فقط در مهمانی های رسمی زنانه اشتراک کرد، در مصر هنگام پیاده شدن از کشتی فقط یک روپوش سیاه رنگ به روی خود گذاشت و موهایش را زیر کلاه پنهان کرد. در آنجا نیز ملکه با جمعیت مردان خلط نشد (البته به استثنای یکی یا دو جا)، اما وقتی به ایتالیا رسید، مثل یک زن اروپائی با لباس اشرافی کلاه و بالاپوش دراز در بیرون و در دعوت ها با لباس معمول رسمی که هیچگاه تنش برهنه نبود، با شاه و دیگران یکجا اشتراک نمود. حین برگشت در ایران باز هم فقط یک روپوش نازک سیاه رنگ به روی گذاشت، با شاه یکجا به بازار رفت و در اجتماع مردم ظاهر شد که ملکه ایران بر این وضع انتقاد کرد و نخواست ملکه افغان را در همه دعوتها همراهی کند، اما دو سال بعد ملکه ایران عین روش ملکه ثریا را پیروی کرد. وقتی شاه و ملکه به وسیله موتر از ایران به وطن برگشتند و از راه هرات به قندهار آمدند، در آنجا نیز ملکه با یک روبند و کلاه ظاهر شد و حین ورود به کابل شاه و ملکه مورد استقبال عده کثیر اهالی به شمول یک عده زیاد زنان قرار گرفتند و آنها برای اولین بار چهره ملکه خویش را از زیر روبند مشاهده کردند. (شرح مزید - وکیلی پوپلزائی: "سفرهای..."، صفحات متعدد)

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

شاه امان الله بعد از عودت به وطن در قندهار ضمن سخنرانی به مردم گفت: «من شخصا در اروپا مشاهده نمودم که زنان دوش بدوش مردان کار میکنند و در تمام ساحات زندگی و در همه امور سیاسی، اجتماعی و تجاری سهم فعال میگیرند. شما میتوانید زنان را در دفاتر، در کارخانه ها و در فابریکه ها بیابید.... خلاصه در هر جا بروید، زن هست، مگر در افغانستان زنان تنها این را میدانند که بیکار در خانه بنشینند و بخورند». آن وقت شاه روی خود را به چند زن حاضر کرده گفت: «پس شما چه میتوانید بکنید؟ بکوشید شما خود پول بدست بیاورید... شرکتها، فابریکات و کارخانه تاسیس کنید و کمی زحمت و شجاعت به خرج دهید، در آن صورت مبالغ هنگفت پول بدست خواهید آورد». (سید رسول: نگاهی به عهد سلطنت امانی، از انتشارات کمیته فرهنگی اتحاد اسلامی مجاهدین افغان، چاپ اول، پشاور، صفحه 189)

شاه و ملکه هر دو مؤید این اصل شرعی بودند که در اسلام روی و کف دستها شامل ستر و حجاب نمیشد و به این اساس پوشیدن برقع یا چادری برای زنان اساس اسلامی ندارد و عرف مردم در طول زمان به آن وجه دینی داده است، چنانچه جریده امان افغان یک مقاله ملکه ثریا را بعد از سفر اروپا به نشر سپرد که در یک قسمت مقاله چنین آمده بود: «بصورت عموم دیده میشود که رسم و رواجها بعد از طی چند ایام بصورت یک اصل مذهبی درآمده است و این در تمام مذاهب واقع شده، همین موضوع در مورد حجاب هم صدق میکند. در ابتداء این مسئله خیلی ساده و یک معمول عنعنوی بود، مگر به مرور زمان به حیث یک اصل مذهبی درآمده است.» او در ادامه مقاله نوشت: «اگر مسئله حجاب به شکل فعلی ادامه پیدا کند، امکانات پیشرفت و ترقی ملل شرق مخصوصاً مسلمانان ناممکن است. زنان در تمدن بشری نقش عمده داشته اند و من به جرأت میگویم تا زمانیکه طبقه انانث شرق تربیه لازم به اساس اصول جدید بدست نیاورند، در زندگی مفید بوده نمیتوانند. آنانیکه با نظرتنگ میگویند که زنان حتی با داشتن حجاب نیز تعلیم و تربیه را کسب نموده میتوانند، مفهوم تعلیم و تربیه را ندانسته اند. تعلیم و تربیه محض به خواندن و نوشتن اطلاق نمیگردد، بلکه تعلیم و تربیه به مفهوم وسیع آن عبارت از آمادگی عملی انسان از طریق درس، تجربه و آزمایش هایی است که فقط از طریق مراکز عمومی تعلیم و دارالفنون ها میسر شده میتواند که این آمادگی در زیر پرده (چادری) ممکن نیست. بهر صورت من برای منفعت مردم شرق خویش به آنها توصیه می نمایم که روپوش های شانرا دور انداخته، راهی را انتخاب نمایند که قرآن توصیه نموده است.» (امان افغان، مؤرخ 25 جولای 1928)

تأسیس انجمن "حمایت نسوان" و فعالیتهای مقدماتی آن:

شاه و ملکه بعد از برگشت از سفر اروپا، یکعده خانمها را تشویق کردند تا انجمنی را برای دفاع از حقوق زنان تشکیل دهند. این انجمن بنام "انجمن حمایت نسوان" در ماه سرطان 1307 (جولای 1928) تأسیس شد و در راس آن یکی از خواهران شاه قرار داشت و تعداد اعضای آن بالغ بر 22 نفر از انانث بودند. انجمن در حقیقت شکل یک مرجع دفاعی و نیمه قضائی را داشت که شکایات زنان را از شوهران شان بررسی میکرد، از جمله طور مثال ندادن نفقه کافی برای زن و یا لت و کوب زن از طرف شوهر و یا طلاق بدون موجب و غیره. انجمن یک هیئت رسیدگی به حال زنان را توظیف کرد تا با زنان مستقیماً به تماس شده و مشکلات شانرا دریافته و درصدد رفع آن برآید و حتی از زنان پیرخواستہ شد تا بخانه ها بروند و جویای احوال زنان گردند. (ریه تالی، ستیوارت: آتش در افغانستان 1914 - 1929، مترجم: یار محمد کوهسار کابلی، چاپ اول، پشاور 1380، صفحه 71) همچنان به تعداد 12 نفر از بین اعضای این انجمن در لویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند؛ این اولین بار است که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق

مساوی، البته درصاف جداگانه اشتراک کردند. نظر به اهمیت تاریخی موضوع لازم است تا اسمای این خانمها را ذکر کرد که مشتمل بودند بر: - شاهره ملقب به شرینجان خانم حبیب الله خان طرزی؛ - سامیه همسر محمد کبیرخان سراج؛ - شهزاده بیگم ملقب به بی بی گل همسر محمد حیدر خان اعتمادی خواهرمحمد نادرخان؛ - حضرت بیگم ملقب به شاه کوکو والده فیض محمد خان زکریا؛ - محبوب ملقب به ماه گل همسر احمد علی خان سلیمان؛ - حمیرا ملقب به کوکوجان همسر محمد رفیق خان؛ - فخری همسر محمودخان یاور؛ - شهناز همسر امین الله خان؛ - حبیبیه ملقب به بوبوگل همسر محمد یونس خان؛ - (? همسر عبدالله خان بلوکمشر؛ - (? همسر محمد حسین خان تولیمشر؛ - بوبوگل والده سردار بی بی همسر امین الله خان. نکته قابل ذکر آنست که تعدادی از این خانمها منسوب به آنده خانواده های افغان بودند که در زمان امیر عبدالرحمن خان به هند برتانوی تبعید شده و در آنجا بدنیا آمده وبا تمدن عصری آشنا بودند وهم زبان خارجی را میدانستند. (برای شرح مزید دیده شود: اسکینازی، می: زنان افغان...، صفحه 11 و 12)

اعزام دختران به ترکیه

بر علاوه فراهم آوری زمینه های تعلیم برای نوجوانان افغان در داخل کشور، شاه امان الله تلاش کرد تا عده ای از پسران و دختران را جهت تحصیل به خارج کشور نیز اعزام دارد. چنانچه قبلاً در خزان 1921 به تعداد 90 پسر جوان از جمله 48 نفر به جرمنی، 36 نفر به فرانسه و 6 نفر به ایتالیا فرستاده شدند. در نظر بود تا در موقع مساعد یکده دختران جوان نیز جهت فراگیری طبابت زنانه به یکی از کشورهای اسلامی اعزام شوند. این پروگرام به روز 8 میزان 1307 (30 سپتمبر 1928) با اعزام جمعی 116 شاگرد از جمله 16 دختر عملی شد و اما برای اینکه این موضوع به تصویب وکلای ملت برسد، در برج سنبله سال مذکور حین لویه جرگه موافقت وکلای ملت حاصل گردید.

در آنروز جهت وداع با شاگردان محفل بزرگی در جلو قصر ستور به هدایت شاه برگزار شد که در آن بر علاوه وزراء و مامورین عالیرتبه تعداد زیاد از کوردپلماتیک مقیم کابل حضور بهم رسانیده بودند. شاه و ملکه بساعت 9:30 صبح تشریف آوردند و هریک از شاگردان را مورد تفقد شاهانه قرار داده و ملکه نیز در جمعی دختران رفته و هریک را نوازش دادند و دوباره به ستیج مخصوص خود برگشتند. سپس شاگردان از جلو ستیج با نظم خاص و برای قدردانی از اقدام شاه عبور نمودند که همه حضار در این موقع به پا ایستاد و کف زدند و در اخیر محمد اسماعل خان قونسل (سابق مدیر مکتب حکام) که به حیث مبصر آنها تعیین شده بود، نیز از حضور شاه و ملکه خدا حافظی کرد.



در این موقع شاه به پا خاسته و روی بطرف حضار کرد و گفت: «یکصد محصل است که اینها امسال دوره ابتدائیه را طی کرده و شانزده محصله است که اینها در سال روان رشیدیه دوم مستورات وطن خود را طی کرده اند» و گفت: «وقتی من به ترکیه رسیدم، حکومت دوست و برادر ما ترکیه این طلبای ما را به خرچ خود حکومت ترکیه قبول فرمود که در مکاتب مختلف آن مملکت درس بخوانند.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

البته پسران بعد از طی مراحل رشدیه و اعدادیه به تحصیل فنون حربی مشغول میشوند و هکذا محصلان عزیز ما چند نفر داکترس و قابله و چند نفرشان در دارالمعلمات ترکیه داخل شده، برای وطن خود داکترس و قابله ها و معلمات ماهر و فاضل خواهند شد و انشاءالله بعد از موفقیت و برگشت بوطن خواهرهای وطن خود را از بلای مبرم دردهای مخصوصه و ولادت های مهلک نجات خواهند داد. ما باید دعا کنیم خداوند متعال اولاد ما را کامیاب نمایند و از حکومت ترکیه هم باید تشکر کنیم.»

شاه امان الله اضافه کرد که: «هر وقت اطلاع می یابم که از باعث نبودن قابله ها و داکترس ها در وطن ما ده ها زن در اوقات ولادت اطفال از بین میروند و وقتی که من به ترکیه رسیدم از حکومت آنجا خواهش کردم معلمات بکابل بفرستند تا مکتب داکتری زنانه و مکتب قابله گی را تدریس نمایند، کمال پاشا [اتاترک] و عصمت پاشا گفتند که: "اولتر یک تعداد متعلمات که سنین شان از 12 بیشتر نباشد، به ترکیه بفرستند، تا در اینجا و با مصارف این دولت تعلیم و تربیه شوند و این یک اقدام زود ثمر بحال افغانستان است و من مشورت برادرانه و دوستانه آنها را به خوشی پذیرفتم و دو ماه پیش به وزارت معارف هدایت دادم، زیرا تا وقتی که عمارت و سامان و وسایل تدریسی آماده گردد و معلمات ماهر استحضار یابند، وقت زیاد میگذرد و اما در کابل مکتب طبابت زنانه و مکتب قابله گی عنقریب تأسیس خواهیم نمود و این یک اقدام عاجل است که در حال مفید دانسته و شانزده نفر محصله را به ترکیه فرستادم.» (وکلیل پوپلزائی: "سفرهای غازی امان الله شاه..."، 281 - 283)

در این موقع ملکه ثریا به خانم سفیر افغانستان در ترکیه هدایت داد تا از این دختران در انقره سرپرستی و در همه امور مراقبت جدی بعمل آورد و از پیشرفتهای علمی آنها و ارسی نموده بکابل خبر دهد. متأسفانه یک ماه بعد از عبور این جمعیت از سرحد، اولین آوازشورش و قیام از دره "سنگوخیل" آنجا بلند گردید و گفته میشود که امان الله این دخترهای مسلمان را به کافر ها میدهد و پسران کافر شده بوطن می آیند و خبر این شرارت بروز 14 عقرب رسماً به نشر رسید. قابل ذکر است که یک تعداد پسران اعزامی برای تحصیل در سالهای بین 1316 و 1318 بعد از ختم تحصیل موفقانه بوطن برگشتند و بیشتر آنها شامل خدمت در ساحه نظامی شدند و اما دختران پس از مدت چند ماه مجبور به برگشت بوطن گردیدند و صرف دوسه نفر آنها به ادامه تحصیل در آنجا پرداختند. (شرح مزید: مأخذ بالا...، صفحه 284)

با تأسف این اقدامات موزون شاه و ملکه که بر طبق موازین شرعی بود و مغایرتی با اصول دین مبین اسلام نداشت، یک بهانه را بدست علمای دینی و محافظه کاران مذهبی داد تا علیه رژیم امانی بیشتر از پیش به تبلیغ منفی پرداخته و آنرا بوسیله ملاهای محلی به اطلاع مردم برسانند که گویا شاه و ملکه از دین برگشته و رو به کفر آورده اند. در آنوقت که وسایل جمعی در کشور انکشاف نکرده بود، یگانه مرجع پخش همچو تبلیغات مساجد بود که زیر نظر امام ها و تحت هدایت علمای سرشناس و محافظه کار مذهبی اداره میشد و مردم به حرف آنها گوش فرا میدادند. این تبلیغات که دامنه آن قبل از سفر شاه و ملکه در ارتباط با گشودن مکاتب نسوان بر اه انداخته شده بود، حین سفر نیز با چاپ و توزیع هزارها کاپی عکس مونتاژ شده و تقلبی نیمه عریان ملکه بقسم پوستکارد در مناطق قبایلی و همچنان در داخل کشور بوسیله عناصر مخالف شاه در هندبرتانوی کسب شدت بیشتر کرد و در محراق آن حضور ملکه ثریا در لویه جرگه با داشتن یک روبند نازک در روی و اشتراک زنان در لویه جرگه، همچنان اعزام دختران جوان به ترکیه قرار داشت و در واقع هیزمی بود که به روی آتش قبلاً برافروخته به تحریک دشمنان رژیم، بخصوص انگلیسها پاشیده شد و زمینه های قیام را در چند جا همزمان فراهم کرد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی